سخن مدیر مسئول[1]

بسم الله الرحمن الرحیم

۱. تردیدی نیست که قرآن شریف ـ که بر قلب مبارک سیّدالمرسلین صلی الله علیه و آله به لفظ آشکار و بدون ابهام (عربی مبین) نازل شده ـ به ضرورت دینی، همین مجموعه‌ای است که اکنون در دست ماست؛ به عین الفاظ نازل شدهٔ آن، بدون اینکه هیچ یک از افراد بشر در آن تصرّفی کرده باشد. این نظر ماست دربارهٔ مجموعهٔ موجود در میان دو جلد. این کتاب اسلام است و رشتهٔ گستردهٔ الاهی که از شارع مقدّس آن تا تمام مردمان کشیده است. این است ثقل اکبر که در کنار عترت، به عنوان یادگار پیامبر اعظم، برای امّت مرحومه بر جای مانده که تبیان تمام امور و دستور سعادت دنیا و دین برای تمام افراد بشر تا روز جزا در آن است.

۲. به دلیل این ویژگیهاست که نگاهداری حرمت قرآن و پاسخ‌گویی به ندای امام امیرالمؤمنین علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام در وصیّت جاودانهٔ خود، بر ما لازم است. حضرتش در آن وصیّت راهگشا فرمودند: «**الله الله أیّها الناس! في ما استحفظکم من کتابه و استودعکم من حقوقه.**» (نهج‌البلاغه، خطبه ۸۶)

همچنین تمسّک به قرآن ضرورت دارد، یعنی:

ـ تداوم آموزش آن به شکل درسی و منظّم؛

ـ تفقّه در آن، برای فهم معانی و کشف مراد آن؛

---

۱. بخش عمده‌ای از این گفتار (بند ۱ تا ۱۴) ترجمهٔ کلام ژرف و موجز و ارزندهٔ علّامهٔ محقّق، مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی در کتاب الذریعه، ج ۴، ص ۲۳۱ـ۲۳۴ است که در چهلمین سال رحلت آن فقید و یکصدمین سال آغاز نگارش کتاب گران‌سنگ ذریعه، از آن بهره گرفته‌ایم.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

ـ تلاوت آیاتش با تدبّر در آنها.

۳. در آیات قرآن و احادیث شریفه، در نهج‌البلاغه و متون دیگر، اوامر اکید در تشویق به موارد یاد شده آمده است؛ ازجمله بیان امیرالمؤمنین علیه‌السلام که فرمود: **«تعلّموا القرآن فإنّه أحسن الحدیث، و تفقّهوا فیه فإنّه ربیع القلوب، و استشفوا بنوره فإنّه شفاء الصدور، و أحسنوا تلاوته فإنّه أنفع القصص.»** (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۱۰)

۴. امیرالمؤمنین علیه‌السلام به صراحت، بیان می‌دارد که عمل به این قرآن، موکول است به تفسیر و کشف مراد آن؛ چنان که در قضیهٔ تحکیم فرمود: **«هذا القرآن إنّما هو خطّ مسطور بین الدّفّتین؛ لاینطق بلسان و لابدّ له من ترجمان و إنّما ینطق عنه الرجال.»** (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۵)

۵. پس قرآن، راهنمایی ساکت است که زبانِ سخنگویان، از جانب آن سخن می‌گوید. بدین روی، این کتاب، حاکمی است که به ترجمان نیاز دارد. پس باید ناگزیر، افرادی که مراد از این خطوط را می‌شناسند، آن را بازگشایند و بازگویند.

این کشف و بیان، «تفسیر» نام دارد. فیروزآبادی در قاموس گوید: **«الفسر: الإبانة و کشف المغطّی کالتفسیر.»** مرحوم طریحی گوید: **«التفسیر في اللّغة کشف معنی اللّفظ و إظهاره، مأخوذ من الفسر، و هو مقلوب السفر. یقال: أسفرت المرأة عن وجهها إذا کشفته.»**

۶. پس تفسیر، بیان ظواهر آیات قرآن است، براساس قواعد زبان عربی. قرآن شریف به این کار ترغیب کرده؛ چرا که خداوند گروه‌هایی را به جهت استخراج و استنباط معانی قرآن ستوده است. خدای تعالی می‌فرماید: **«لعلمه الذین یستنبطونه منهم.»** (مائده (۵): ۸۳) از سوی دیگر، برخی اقوام را به دلیل عدم تدبّر در قرآن و عدم تفکّر در معانی آن نکوهیده است: **«أفلا یتدبّرون القرآن أم علی قلوب أقفالها.»** (محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله (۴۷): ۲۴)

۷. این استنباط مختصّ یک آیه و ویژهٔ یک گروه نیست؛ چنان که گفتیم قرآن براساس مبانی فصحای عرب و سخن‌گفتن آنهاست که در مجامع و مکالمات خود

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

بدان شیوه سخن می‌گویند و به شیوهٔ خود کاربردهای حقیقی و مجازی دارند. همچنین کنایات و مانند آنها که مدلولهای ظاهری آنها را اهل زبان ـ که زبان آنها آلوده نشده ـ به حسب طبع خود می‌شناسند و دیگران نیز با تعلّم قواعد زبانی آنها را فرامی گیرند.

۸. حجّیّت تمام این ظواهر و حکم به اینکه تمام آنها، مراد واقعی خدای تعالی باشد، امری است که قرآن ما را از آن بازداشته است. قرآن آشکارا در باب تقسیم آیات، سخن می‌گوید و آنها را شامل محکمات و متشابهات می داند. (آل عمران (۳): ۷) خداوند آیات محکم را امّ الکتاب قرار داده؛ یعنی حجّتی که به آن رجوع و ظواهر آن اخذ می شود.

امّا در باب آیات متشابه، خداوند امر فرموده که مردم آن آیات را تأویل نکنند و علمِ آن را واگذارند به خدای تعالی و به کسانی که خداوند تعالی آنها را برای افاضهٔ علوم دینی اختصاص داده و ایشان را «**الراسخون في العلم**» نامیده است. (آل عمران (۳): ۷)

۹. دیدگاهها در تعیین مصداقهای محکم و متشابه، مختلف است. امّا کلام حقّ ـ که محقّقان از مفسّران برگزیده‌اند ـ آن است که آیات محکم، آیاتی است که اخذ به ظواهر آنها صحیح است و می‌توان حکم کرد به اینکه معنای آیه همان مراد واقعی آن است؛ چرا که وقتی گفتیم ظاهر آیه مراد واقعی است، نمی‌توان این سخن را امری باطل یا محال بدانیم. امّا در باب متشابهات نمی‌توان چنین گفت، یا از آن روی که معنای ظاهر ندارند ـ مانند حروف مقطّعه در اوائل سوره‌ها ـ یا بدان جهت که نمی‌توان حکم قطعی کرد که ظواهر آن مراد واقعی باشد؛ چرا که در این صورت، نتیجهٔ باطل لازم می‌آید و امر محال، پیش می‌آید.

۱۰. در هر حال، تعرّض به تأویلها و بیان مراد واقعی در متشابهات، برای هیچ فردی به جز «**الراسخون في العلم**» روا نیست؛ یعنی کسانی که همتای قرآن و حاملان

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

آن هستند و کتاب خدا در خانهٔ ایشان فرود آمده و آنان به آیات قرآن مورد خطاب قرار گرفته‌اند. پس ناگزیر باید تأویلات آیات متشابه را از آنها فراگرفت؛ زیرا به صریح قرآن، کسی جز آنها واجد این علم نیست.

۱۱. امّا تفسیر آیات محکم، وظیفهٔ شخصیّتهایی است که قواعد زبان عربی را می‌شناسند. البتّه باید استنباط آنها از ظواهر در آیات محکم، مستند باشد به آنچه از همان قواعد فهمیده می‌شود، نه اینکه به اقتضای نظریّات شخصی و قیاسها و استحسانها یا ظنّ و تخمین و حدس و گمان باشد؛ چرا که نهی شدید از تفسیر به رأی رسیده که مراد از آن، مشابه همین استنباطهای ناپخته و نسبت دادن تفسیر شخصی از آیات متشابه به عنوان مراد واقعی آنهاست؛ یعنی تفسیری از آیات متشابه که آن را از اهلش نگرفته‌اند، وگرنه، تفسیر محکمات قرآن و بیان مراد و مفهوم آن برحسب قواعد زبان، از برترین و شریف‌ترین کارهاست؛ زیرا موضوع و هدف این علم، شریف‌ترین موضوع است؛ چنان که معصومان علیهم‌السلام بر آن تأکید کرده‌اند.

۱۲. فضلای شیعه، از صدر اسلام تاکنون، این اوامر را امتثال کردند. سرور اساتید ما، علّامه سیّد حسن صدرالدین، در کتاب «تأسیس الشیعة الکرام لفنون الإسلام» این حقیقت را ثابت کرده که فضلای شیعه، علوم قرآن را از امامشان امیرالمؤمنین علیه‌السلام ـ که باب علم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است ـ فراگرفتند و به تدوین آن پرداختند. آنان پیشتازانی بودند که دانشهایی بنیاد نهادند؛ مانند: تفسیر، قرائت، ناسخ و منسوخ، احکام قرآن، غریب القرآن، مقطوع القرآن و موصوله، مجازات القرآن، اسباع القرآن، فضائل القرآن.

۱۳. آنان در این زمینه‌ها، آثار مکتوب دارند و در آن به ابتکار پرداختند. نخستین کسی که در تفسیر کتاب نوشت، عبدالله‌بن عبّاس (م ۶۸) بود و سپس شاگرد شهید او سعیدبن جبیر (شهید ۹۵)، و همین‌سان تا امروز؛ بلکه بسیاری از آنها به تألیف

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

یک تفسیر اکتفا نکردند و بیش از آن نگاشتند.

اینک جای آن دارد که نام برخی از آنان را به اجمال، یاد کنیم و تفصیل در مورد آثارشان را به محلّ خود واگذاریم: ابان‌بن تغلب‌بن رباح، ابوزید احمدبن سهل (سجستانی الاصل، بلخی المولد)، شیخ فخرالدین احمدبن عبدالله‌بن سعیدبن متوّج، شیخ جمال‌الدین احمدبن عبدالله‌بن محمّدبن متوّج، مولی محمّدتقی هروی حائری، حسن‌بن علی‌بن فضّال، علّامه جمال‌الدین حسن‌بن یوسف حلّی، سیّد حیدر آملی (صاحب «المحیط الاعظم»)، قطب‌الدین سعیدبن هبة الله راوندی، مولی صالح برغانی، شیخ کمال‌الدین عبدالرحمن‌بن عتایقی، عبدالعزیزبن یحیی جلودی، سیّد عبدالله شبر، شریف مرتضی (علی‌بن الحسین)، علی‌بن ابی‌القاسم زید بیهقی، سیدعلی محمّد نقوی، شیخ فخرالدین طریحی، شیخ فضل‌الله‌بن حسن طبرسی، مولی محسن فیض کاشانی، شیخ محمّدبن حسن طوسی، ابوالنضر محمّدبن سائب کلبی، شیخ محمّدبن علی‌بن بابویه صدوق، شیخ رشیدالدین محمّدبن علی‌بن شهرآشوب، شیخ بهائی محمّدبن حسین عاملی، ابن‌الجحام محمّدبن عبّاس، شیخ مفید محمّدبن محمّدبن نعمان، شیخ ابوعبدالله محمّدبن محمّدبن هارون بغدادی حلّی معروف به «ابن کیّال» (م ۵۹۷)، محمّد هارون زنگی‌پوری، ابوالحسن مقاتل‌بن سلیمان بلخی وگروه فراوان دیگر.

۱۴. اینان درگذشته‌های دور و نزدیک، به وظیفهٔ تألیف در باب تفسیر تمام یا بخشی از قرآن شریف (یک یا چند سوره، یک یا چند آیه؛ نیز موضوع خاصّی مانند آیات الاحکام، امثال، قصص، تفسیر برخی ازکلمات غریب یا مشکل) اقدام کردند. تفصیل در این موارد، در جای خود بیان می‌شود.

۱۵. اینک وظیفهٔ مراکز آموزشی و پژوهشی (حوزوی و دانشگاهی) ما آن است که به احیای این آثارگرانقدر، اهتمام ورزیم. این هدف به چند طریق تحقّق می‌یابد:

ـ پژوهشهای کتابشناسی و نسخه‌شناسی در باب تفاسیر.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

ـ تحقیق و تصحیح متون این تفاسیر (به ویژه متونی که تاکنون منتشر نشده‌اند).

ـ بازنویسی و روان‌نویسی پاره‌هایی از آنها برای مقاطع مختلف (جوانان، نوجوانان، دانشجویان، طلّاب و...)

ـ پژوهشهای مختلف و روزآمد در زمینهٔ درون‌مایهٔ این تفاسیر.

ـ برپایی همایشهای علمی برای تبیین جوانب مختلف این تفاسیر و شرح زندگانی علمی صاحبان آنها، همراه با نقد و بررسی علمی.

ـ توجّه بیشتر به این تفاسیر در پایان‌نامه‌های دانشگاهی و حوزوی.

این گونه اقدامها، در کنار نگارش تفاسیر جدید ـ که ناظر به نیازهای نسلهای جدید باشد ـ ضرورت دارد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]